

پیرامون ضرورت بسترسازی برای توسعه سرمایه گذاری مطرح شد:

مشارکت در تکمیل پروژه‌های ارزآور

گروه اقتصادی

به تازگی معاون وزیر اقتصادورئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران اقتصادی بابیان این که توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تنها راه مقابله با ناترازی‌های بخش‌های مختلف است، گفت؛مجموع پروژه‌های با بازدهی‌ارزی بسیاربالا ۴۰۰تا۵۰۰میلیارد دلاراست که باید تأمین مالی شوند. مهدی حیدری، با بیان این‌کهبخش خصوصی نگاه اقتصادی‌به مسائل دارد، خاطرنشان کرد؛ برای سرمایه‌گذاری باید به دنبال بخش خصوصی باشیم وهیچ راهی جزسرمایه‌گذاری نیست. حیدری وجود ندارد. حیدری اضافه کرد؛ باید نگاه اقتصادی بخش خصوصی به پروژه‌ها را در نظر بگیریم و با روش‌های نوین به دنبال جذب سرمایه‌گذاران باشیم. حیدری گفت: جمع‌آوری پروژه‌های اصلی و پیشران کشور، یکی از مهم‌ترین اهداف ما در سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران است. وی تصریح کرد: فضای مناسبی برای جذب سرمایه‌گذار خارجی در کشور وجود ندارد و مسائل زیادی در این زمینه وجود دارد که فقط با همراهی و تعامل حل خواهد شد. او همچنین خاطرنشان کرد:وزارت اقتصادنهایت تلاش خود را برای تسهیلگری و به ثمر رساندن پروژه‌های کشور انجام می‌دهد. کارشناسان و آگاهان این حوزه می‌گویند که به منظور تقویت حضور بخش خصوصی نباید مشکلی در تأمین سرمایه به منظور اجرای این پروژه‌ها داشته باشد، بنابراین دولت باید اهتمام و همراهی ویژه بدارد و با ارائه مشوق‌های لازم، اعتماد سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای تأمین این میزان سرمایه را جلب کند. درحقیقت به باور این کارشناسان، تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که هرگاه بسترهای قانونی شفاف،

حمایت‌های مالیاتی و تضمین‌های حقوقی برای بخش خصوصی فراهم‌شود، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بارغبت بیشتری وارد میدان می‌شوند.
دربارین میان، ایجاد ثبات در سیاست‌های اقتصادی و ارزی، کاهش بروکراسی‌های زائد و تسهیل فرآیندهای صدور

مجوز ازبازپیش شرط‌های اساسی است. همچنین بهره‌گیری از ظرفیت بازار سرمایه و ابزارهای نوین مالی می‌تواند منابع عظیمی را به سمت پروژه‌های پیشران کشور هدایت کند. بدین ترتیب، هم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به ثمر خواهد نشست و هم کشور در



مسیر رف ناترازی ها و تحقق رشد بایدار قرار خواهد گرفت. در بررسی بیشتر این موضوع به گفت‌وگو با سید عبدالکریم هاشمی نخل ابراهیمی، عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس شورای اسلامی پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

اقتصادی

سید عبدالکریم هاشمی نخل ابراهیمی، عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس:

مسیر توسعه اقتصادی از رونق سرمایه‌گذاری می‌گذرد

متذکر شد: بدیهی است که راهکار اصلی پیشرفت و رف و مانع و مشکلاتی همچون بیکاری، تورم و کاهش ارزش پول ملی، رشد اقتصادی توأمان با حضور بخش خصوصی و مشارکت مردمی است. چنانچه سرمایه‌گذاری با مشارکت مردمی و بخش خصوصی گسترش یابد وتولید و خدمات باصدرات محوری وریکدارزش افزوده بالا مورد توجه قرارگیرد، مشکلات مطرح مرتفع خواهد شد.

نمانیده مردم هرمزگان، بشاگرد، جاسک، رودان، سیریک و میناب در مجلس دوازدهم لازمه رونق اقتصادی را افزایش سرمایه‌گذاری خواند و دراین خصوص همچنین خاطرنشان کرد: بی شک مسیر توسعه اقتصادی از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌گذرد، بنابراین باید به ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری توجه ویژه داشت.

وی در پایان این گفت‌وگو با تأکید بر رف ناترازی انرژی و استمرار بسترسازی برای تقویت مشارکت مردمی و حضور بخش خصوصی ادامه داد: توأمان با حضور بخش خصوصی و افزایش سرمایه‌گذاری، می‌بایست به استمرار بسترسازی و تحقق موارد مورد نیاز تولید توجه ویژه بداریم. به عنوان مثال اکنون باترازی انرژی رویه روهستیم و باید یکوشیم تااین ناترازی به سرعت برطرف گردد. بدیهی است که رف این ناترازی نیز می‌تواند با مشارکت بخش خصوصی و مردمی باشد. بنابراین به طورکل باید با هم افزایی هرچه تمام تر حرکت کنیم و هم زمان با حضور بخش خصوصی خود نیز در راستای حل مشکلات تلاش جدی بداریم.

سید عبدالکریم هاشمی نخل ابراهیمی، نماینده مردم هرمزگان، بشاگرد، جاسک، رودان، سیریک و میناب و عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار «رسالت» پیرامون ضرورت بسترسازی برای توسعه سرمایه‌گذاری و ویژه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با تأکید بر لزوم تسریع در فرآیند تکمیل پروژه‌های ارزآور بیان داشت: تمام کشورهای پیشرفته دنیا پروژه‌های بزرگ خود را از طریق سرمایه‌گذاری و جذب مشارکت به توسعه و تکمیل می‌رسانند. درحقیقت این مهم را از طریق فروش سهام و مشارکت مردمی و همچنین از طریق افزایش اعتمادبخش خصوصی و مشوق‌های لازم پیش می‌برند.

وی با تأکید بر ضرورت ارائه مشوق‌های حمایتی از سوی دولت به منظور توسعه حضور بخش خصوصی افزود: حمایت از بخش خصوصی و ارائه مشوق‌های لازم به منظور توسعه حضور و تکمیل پروژه‌های ارزآور یک ضرورت است و همان‌طور که عنوان شد، کشورهای پیشرفته دنیا امروز این مهم را به جد مورد توجه قرار داده‌اند.

هاشمی نخل ابراهیمی بابیان این‌که بخش خصوصی می‌تواند نقش پررنگی را در توسعه سرمایه‌گذاری

داشته باشد، تصریح کرد: بخش خصوصی می‌تواند

با حضور خود، وظیفه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مهم و بزرگ اقتصادی بر عهده بگیرد. توأمان با حضور بخش خصوصی، نیاز است که از ظرفیت سرمایه‌گذاری خارجی نیز بهره کسب شود. وی با تأکید بر توسعه رویکرد صادرات محوری و ایجاد ارزش افزوده بالا

دیگر نیز مشاهده می‌داریم، تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، به نفع تولید و سرمایه‌گذاری نیست. به عنوان مثال نرخ سودی که صندوق سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت یا گاه بانک‌ها می‌دهند، ۳۵ درصد است. مادامی که نرخ سود ۳۵ درصدی اعلام می‌گردد، بدین معناست که نرخ تورم حداقل ۳۰ درصد است. بنابراین در شرایطی که تورم ۲۰ درصدی وجود دارد اما اجازه رشد قیمتی برای شرکت‌هایی با محصولات تولیدی صادر نمی‌شود و نرخ ارز نیز در کانال ۷۰ هزار تومان تثبیت شده، سودآوری شرکت‌ها نیز با کاهش مواجه می‌شود.

وی متذکر شد: هنگامی که سرمایه‌گذاران مشاهده می‌کنند که سودآوری با وجود تورم کاهش یافته است، از سهامداری

احمد اشتیاقی، کارشناس بازار سرمایه:

حمایت هدفمند نقدینگی شوک‌های بازار سرمایه را مهار می‌کند

همراه شود تا شوک‌های حاصل از ترس و ابهام مدیریت و فضای بازار نیز تعدیل شود.

اشتیاقی تصریح کرد که به طورکل بازار سرمایه با تصمیماتی که برای متغیرهای کلان اقتصادی گرفته می‌شود، توجه سرمایه‌گذاران را به خود جلب می‌کند و سپس ادامه داد: اکنون از یک سو تحت فشار اخبار سیاسی هستیم و از سوی

شرایطی وارد بازار شود و شوک‌های ناشی از اخبار و ابهامات را مدیریت کند و به حداقل برساند.

وی افزود: چنانچه حمایت‌های لازم در دست‌ورکار قرارگیرد، صف‌های فروش روزبه روز بیشتر نخواهد شد و مدیریت فضا رقم خواهد خورد. به عنوان مثال صندوق توسعه و تثبیت که به همین منظور تدارک دیده شده، می‌تواند باترزی نقدینگی

احمد اشتیاقی، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با خبرنگار «رسالت» در ارزیابی از وضعیت بازار با تأکید بر ضرورت اصلاحات بنیادین اقتصادی بیان کرد: در شرایطی که اخبار سیاسی به شدت بر بازار سایه می‌اندازد، باید به سمت و سوی حمایت‌ها حرکت کرد. درحقیقت باید حمایت‌هایی همچون پول هدفمند از پیش در دست‌ورکار قرار گرفته باشد تا در چنین

چگونه آموزش برابر به تولید و اشتغال می‌انجامد؟

آموزش، بنیان توسعه ملی

گروه اقتصادی

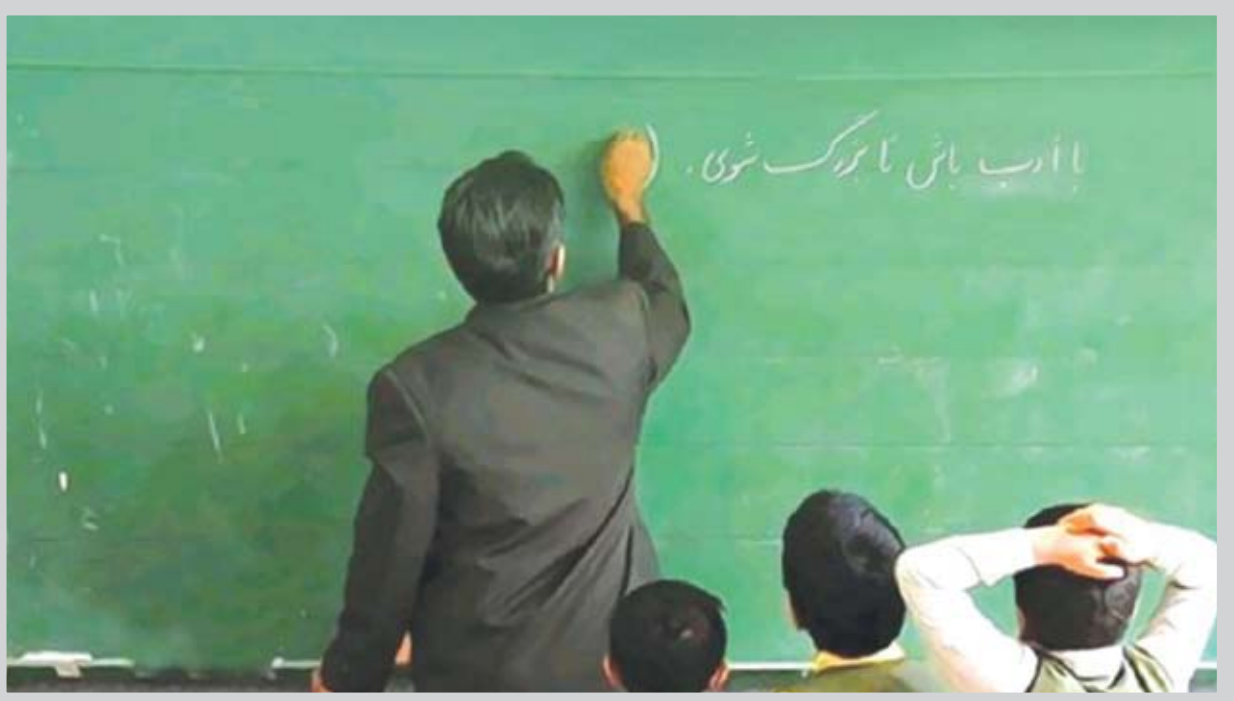
آموزش، زیربنای توسعه همه‌جانبه‌هر

کشوری است و بدون آن هیچ جامعه‌ای قادر نخواهد بود به رشد پایدار، پیشرفت اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی دست یابد. تجارب گذشته نیز نشان داده است که هر زمان به سرمایه‌گذاری در آموزش توجه بیشتری شده، ثمرات آن در قالب تربیت نیروی انسانی متخصص، ارتقای سطح فرهنگ عمومی و افزایش بهره‌وری اقتصادی به بار نشست‌است. در این میان، مدرسه به عنوان نخستین محیط رسمی تعلیم و تربیت، نقشی حیاتی در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی فرزندان این سرزمین ایفای می‌کند. با وجود این جایگاه رفیع، هنوز هم در برخی نقاط کشور، به ویژه در مناطق محروم و کم‌برخوردار، شاهد کمبود شدید فضای آموزشی، مدارس فرسوده یا چه‌بسا مدارس کپری هستیم. این واقعیت تلخ، نه تنها بر کیفیت آموزش اثر منفی می‌گذارد، بلکه احساس نابرابری و محرومیت را نیز در ذهن دانش‌آموزان این مناطق تقویت می‌کند. به همین دلیل است که دولت چهاردهم، بارها بر ضرورت مدرسه‌سازی و نوسازی فضاهای آموزشی تأکید داشته و آن را گام نخست در مسیر تحقق عدالت آموزشی معرفی کرده‌است. عدالت آموزشی به این معناست که هر دانش‌آموز، فارغ از محل تولد، وضعیت اقتصادی خانواده یا شرایط اجتماعی، باید از فرصت برابر برای تحصیل و شکوفایی استعدادهایش برخوردار باشد و مدرسه‌سازی در مناطق محروم، مهم‌ترین ابزار تحقق این عدالت است چرا که بدون فراهم کردن زیرساخت مناسب، سخن گفتن از آموزش کیفی و ارتقای سطح علمی نسل آینده، تنها در حد شعار باقی خواهد ماند.

طی سالیان اخیر دولت سیزدهم و چهاردهم، باتأکید بر سه اصل گسترش عدالت آموزشی، ارتقای کیفیت و ایجاد تعلق و هویت بخشی به دانش‌آموزان مسیر تازه‌ای را ترسیم کرده‌اند. بلکه دولت نه تنها به ساخت مدارس جدید، بلکه به تحول کیفی در آموزش است. با این حال، ساخت و تجهیز مدارس همچنان نقطه آغاز این مسیر روشن است زیرا بدون فضای آموزشی ایمن و استاندارد، امکان اجرای سایر برنامه‌های تحول آفرین فراهم نمی‌شود. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم مدرسه‌سازی

تنها یک اقدام زیربنایی در حوزه آموزش نیست بلکه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای نیز به همراه دارد. از یک سو، ساخت مدارس جدید در مناطق محروم، زمینه‌ساز اشتغال محلی و رونق فعالیت‌های عمرانی است و از سوی دیگر، در بلندمدت، منجر به پرورش نیروی انسانی متخصص و توانمند می‌شود که خود موتور محرک تولید اشتغال و توسعه فناوری خواهد بود. به همین دلیل، کارشناسان حوزه آموزش و توسعه بر این باورند که توجه کیفی و زیرساختی به آموزش یکی از کم‌هزینه‌ترین اما پربازده‌ترین سرمایه‌گذاری‌های ملی است. درحقیقت مادامی‌که عدالت آموزشی در عمل محقق شود، نه تنها از بروز شکاف‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند، بلکه با تربیت نیروی انسانی توانمند، قدرت رقابت‌پذیری خود را در عرصه‌های اقتصادی و علمی افزایش می‌دهد.

عدالت آموزشی: کلید توسعه همه‌جانبه همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، عدالت آموزشی به معنای دسترسی برابر همه فرزندان به امکانات و فرصت‌های آموزشی است. تحقق این عدالت، نه تنها مانع از نابرابری در نسل‌های بعدی می‌شود بلکه ظرفیت‌های بدون دغدغه‌های محیطی، آرام برای دانش‌آموزان، تأثیری مستقیم بر کیفیت یادگیری دارد. در چنین شرایطی، استعداد‌های دانش‌آموزان بهتر شکوفا می‌شود و معلمان نیز می‌توانند نسل‌های بعدی می‌شود. به همین دلیل، دولت چهاردهم و چهاردهم و چهاردهم، با تأکید بر این موضوع، به طورکل بازار سرمایه با تصمیماتی که برای متغیرهای کلان اقتصادی گرفته می‌شود، توجه سرمایه‌گذاران را به خود جلب می‌کند و سپس ادامه داد: اکنون از یک سو تحت فشار اخبار سیاسی هستیم و از سوی



را صرف تعلیم و تربیت کنند.

نگاه دولت چهاردهم و خیرین مدرسه‌ساز به آموزش

یکی از نقاط مثبت سیاست‌های دولت چهاردهم، تأکید ویژه بر حوزه آموزش و پرورش است. دولت در طول یک سال گذشته بارها بر اهمیت توسعه عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت مدارس تأکید کرده و برنامه‌هایی همچون شتاب بخشی به طرح‌های نیمه تمام مدرسه‌سازی، جلب مشارکت خیرین و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مردمی را در دست‌ورکار قرار داده است. این نگاه مثبت و عزم جدی، نشان دهنده آن است که مدرسه‌سازی تنها یک پروژه عمرانی تلقی نمی‌شود، بلکه راهبردی برای آینده‌سازی است. درحقیقت گام‌های مدرسه‌سازی در مسیر رشد فرزندان این سرزمین در مسیر رشد علمی، فرهنگی و اقتصادی قرار خواهند گرفت. در کنار تلاش‌های دولت، نمی‌توان از جایگاه ارزشمند خیرین مدرسه‌ساز غافل شد. این قشر مخلص و دغدغه‌مند، سال‌هاست که با روحیه ایثار و مشارکت، بخشی از بار مدرسه‌سازی کشور را به دوش می‌کشند. بنابراین هم افزایی میان دولت و خیرین می‌تواند فرآیند توسعه مدارس

را شتاب بخشد و مناطق محروم را هرچه سریع‌تر از وضعیت نامطلوب آموزشی خارج سازد.

آثار اجتماعی و فرهنگی مدرسه‌سازی چیست؟

مدرسه‌سازی در مناطق محروم، علاوه بر بعد آموزشی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی فراوانی دارد.

مدارس به عنوان پایگاه‌های فرهنگی و اجتماعی، زمینه انسجام و همبستگی ملی را فراهم می‌کنند. دانش‌آموزان در این محیط‌ها علاوه بر یادگیری علوم مختلف، هویت ایرانی اسلامی خود را نیز تقویت کرده و برای ایفای نقش مؤثر در جامعه آماده می‌شوند. از سوی دیگر، ساخت مدارس جدید موجب ایجاد امید و نشاط اجتماعی در میان خانواده‌ها و ساکنان مناطق محروم می‌شود. همچنین خانواده‌ها زمانی که ببینند فرزندان‌شان در محیطی ایمن و استاندارد تحصیل می‌کنند، اعتماد و انگیزه بیشتری برای آینده خواهند داشت.

پیوند آموزش با اقتصاد ملی

توسعه آموزش و پرورش در نهایت به تقویت اقتصاد ملی منجر می‌شود. تجربه جهانی نشان داده است که سرمایه‌ای که بر آموزش سرمایه‌گذاری کرده‌اند، توانسته‌اند نیروی

انسانی متخصص و ماهر پرورش دهند و در مسیر تولید و نوآوری گام‌های بلند بردارند. در کشورمان نیز اگر عدالت آموزشی محقق شود، تمام مناطق کشور سهمی در تربیت نیروی انسانی متخصص خواهند داشت. این نیروها در آینده در عرصه‌های گوناگون با محصولات تولیدی صادر نمی‌شود و نرخ ارز نیز در کانال ۷۰ هزار تومان تثبیت شده، سودآوری شرکت‌ها نیز با کاهش مواجه می‌شود.

آموزش: پلی به سوی آینده‌ای روشن

نظام تعلیم و تربیت تنها محلی برای انتقال دانش نیست، بلکه بستری برای پرورش انسان‌های توانمند، خلاق و متعهد است. ساخت مدارس استاندارد و توسعه عدالت آموزشی، تضمین می‌کند که استعداد‌های ناب از دل دورترین روستاها تا قلب کلان‌شهرها شکوفا شوند. اگر این استعداد‌ها فرصت بروز پیدا کنند، کشور در آینده با نسلی کارآمد، متخصص و متعهد روبه‌رو خواهد بود که نه تنها نیازهای داخلی را تأمین می‌کند، بلکه در عرصه‌های جهانی نیز کشور را به جایگاهی رفیع‌تر از پیش خواهد رساند.

سخن پایانی

مدرسه‌سازی در مناطق محروم، نه یک اقدام مقطعی، بلکه راهبردی برای آینده کشور است. دولت چهاردهم با نگاه مثبت به این موضوع، مسیر درستی را آغاز کرده است؛ مسیری که اگر با استمرار، دقت و مشارکت همگانی همراه شود، ثمرات آن در دهه‌های آینده آشکار خواهد شد. تحقق عدالت آموزشی، ارتقای کیفیت مدارس و پرورش نسل آینده، همگی در گرو آن است که زیرساخت‌های آموزشی با جدیت توسعه یابند. این اقدام نه تنها موجب کاهش فاصله‌های آموزشی و اجتماعی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز پرورش نیروی انسانی متخصص خواهد بود.

چنین نیروی انسانی‌ای است که می‌تواند چرخه تولید و اشتغال را تقویت کند. کشور را در مسیر خودکفایی هرچه تمام‌تر پیشرفت دهد. برای این امر، ضروری است که آموزش را به‌قله‌های رفیع تعلیمی و فناوری برساند. به تعبیر دیگر، هر مدرسه‌ای که امروز ساخته می‌شود، فردا کارخانه‌ای از مهارت و خلاقیت خواهد بود که ثمرات آن، توسعه و افتدار اقتصادی هرچه تمام‌تر خواهد بود.

تضمین پایداری شبکه برق با انرژی خورشیدی

با وجود برخورداری ایران از ذخایر عظیم گازی، وابستگی بیش از حد به نیروگاه‌های حرارتی، پایداری شبکه برق را در شرایط جنگی و بحرانی با تهدید جدی مواجه کرده است. حمله اخیر رژیم صهیونیستی به فاز ۱۴ پارس جنوبی نشان داد که تکیه صرف بر سوخت‌های فسیلی، یک آسیب‌پذیری راهبردی است. در چنین شرایطی، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی نه تنها به صرفه‌ترین راهکار اقتصادی، بلکه ایمن‌ترین راهبرد برای کاهش ناترازی برق و تأمین پایدار انرژی محسوب می‌شود. ناترازی برق در ایران به یک بحران جدی تبدیل شده که ابعاد اقتصادی، امنیتی و اجتماعی گسترده‌ای دارد. کارشناسان معتقدند برای حل این بحران، تنوع بخشی به سبد تولید برق کشور باید در اولویت قرار گیرد و تولید برق، مانند نیروگاه‌های خورشیدی خانگی، می‌تواند نقش کلیدی در افزایش تاب‌آوری شبکه برق و حرکت به سمت انرژی پاک ایفا کند. تاکنون بیش از ۲۵۰۰ نیروگاه خانگی در کشور نصب شده که تعداد بسیار کمی محسوب می‌شود. سهم کلی انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد تولید برق کشور همچنان در حدود یک درصد است؛ در حالی که ایران با بیش از ۳۰۰ روز آفتابی در سال، ظرفیت عظیمی برای رشد در این حوزه دارد. هم‌زمان با چالش‌های تأمین برق، گزارش‌هایی از نصب ۸۰۰ نیروگاه خورشیدی ۵ کیلوواتی خانگی ویژه مددجویان در استان گلستان منتشر شده که علاوه بر کاهش ناترازی انرژی، نقطه امیدي در توانمندسازی اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر است. توسعه این نیروگاه‌ها موجب تنوع بخشی به سبد تولید برق کشوری می‌شود و فشار بر شبکه سراسری را کاهش می‌دهد. در مواجهه با بحران‌های مکرر برق، وزارت نیرو طرح‌هایی پشتیبانی کننده ارائه داده است؛ از جمله پیش‌بینی خرید تضمینی برق تولیدی به قیمت تقریبی ۳۰۰۰ تومان برای هر کیلووات ساعت. همچنین، جزئیاتی درباره امکان نصب نیروگاه خورشیدی خانگی در کمتر از ۷ روز و فرآیند ساده‌سازی شده با انعقاد قراردادهای ۲۰ ساله خرید تضمینی برق منتشر شده است. جنگ و بحران‌های بین‌المللی، همچون حمله به فازهای نفتی با گاز، بارها ثابت کرده‌اند که شبکه برق متمرکز، آسیب‌پذیری‌هایی دارد که با گسترش نیروگاه‌های کوچک مقیاس قابل کاهش است. توسعه خورشیدی در قالب خانگی تنها یک اقدام فنی نیست، بلکه راهکاری راهبردی برای سرمایه‌گذاری عمومی، پایدانغیرعامل و اقتصاد مردمی است. مزیت اصلی طرح نیروگاه‌های خورشیدی خانگی، مشارکت مستقیم مردم در تولید انرژی است. هر خانوار می‌تواند با تجهیز سقف خانه خود به یک نیروگاه خورشیدی پنج کیلوواتی، هم برق مورد نیازش را تأمین کند و هم درآمدزایی داشته باشد. دولت متعهد است تا ۲۰ سال برق تولیدی خانوارها را با نرخ تضمینی و بالاتر از تعرفه مصرفی خریداری کند. بازگشت سرمایه این طرح حدود چهار سال برآورد شده است؛ پس از آن، خانوار سال‌های سال سود خالص دریافت خواهد کرد. اجرای گسترده نیروگاه‌های خانگی فقط به تولید برق محدود نمی‌شود؛ این طرح می‌تواند بستر اشتغالزایی وسیعی ایجاد کند. کمبسته امداد و سازمان بهزیستی در حال تجهیز خانوارهای تحت پوشش خود به صفحات خورشیدی هستند تا منبع درآمدی پایدار برای اقشار آسیب‌پذیر فراهم کنند. همچنین نصب تجهیزات خانگی این نیروگاه‌ها فرصتی برای رونق کسب‌وکارهای کوچک و شرکت‌های خصوصی خواهد بود و زمینه را برای خودکفایی در تولید تجهیزات در بلندمدت فراهم می‌کند. یکی از چالش‌های جدی توسعه نیروگاه‌های خورشیدی، تأمین تجهیزات و صفحات خورشیدی است. دولت برای رفع این مانع، قراردادی با چین منعقد کرده که طبق وعده سابقاً ۷۰۰۰ مگاوات برق خورشیدی تأمین‌اند تا تابستان ۱۴۰۵ وارد مدار خواهد شد. محل تأمین مالی این طرح نیز صندوق توسعه ملی تعیین شده است. علاوه بر این، ۷۰۰۰ مگاوات دیگر برای پروژه‌های بخش خصوصی در نظر گرفته شده که باید تا پایان سال جاری به بهره‌برداری برسد. این اقدامات در صورت تحقق، می‌توانند نقطه عطفی در تحول انرژی کشور باشند. صندوق توسعه ملی ۵۰۰ میلیارد دلار برای توسعه واحدها هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی اختصاص داده که اگر به درستی مدیریت شود و به بخش خصوصی متخصص این صنعت هدایت شود، مشوق خوبی خواهد بود. توسعه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی علاوه بر مسائل امنیتی، ابعاد اقتصادی مهمی نیز دارد. با اجرای این طرح و وابستگی کم‌تر به سوخت‌های فسیلی برای تولید برق کاهش می‌یابد. این یعنی کاهش فشار بر منابع گاز و نفت در بلندمدت، امکان صادرات بیشتر سوخت‌های فسیلی، امکان صادرات مازاد برق تولیدی و در نتیجه افزایش درآمد ارزی و استفاده از گاز در صنایع پتروشیمی برای تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر. ایران در حدود ۸۰ درصد انرژی خود را از گاز طبیعی تأمین می‌کند. در حالی که این عدد در ترکیه ۲۶ درصد و در کانادا ۳۱ درصد است. این وابستگی بالا باعث شده که با کوچک‌ترین کاهش تولید گاز یا افزایش مصرف داخلی، کشور دچار کمبود برق شود. در مقابل، کشورهای پیشرفته مانند ترکیه و کانادا با اتکا به انرژی‌های خورشیدی و بادی، سبد متنوع و ایمنی از منابع انرژی ساخته‌اند. ایران امروز نیازمند تغییر رویکرد جدی در سید انرژی است. اتکاکی صرف به نیروگاه‌های حرارتی و مصرف گسترده گاز طبیعی، امنیت انرژی و اقتصاد کشور را تهدید می‌کند. در مقابل، نیروگاه‌های خورشیدی خانگی ایمن، اقتصادی و پایدارند. این طرح می‌تواند هم‌زمان به رفع ناترازی برق، ایجاد درآمد پایدار برای خانوارها، اشتغالزایی گسترده، افزایش درآمد ارزی و صیانت از منابع ملی کمک کند. آینده برق ایران، بر پشت‌بام خانه‌ها رقم خواهد خورد.